

مجموعه‌ای از آثار مبارکه جمع‌آوری شده به مناسبت کنفرانس مشاورین سال ۲۰۱۸

* * *

رجا آنکه از عنایت حکیم دانا رمد ابصار رفع شود و بر بینایش بیفزاید تا بیابد آنچه را که از برای آن بوجود آمده‌اند امروز آنچه از کوری بکاهد و بر بینائی بیفزاید آن سزاوار التفاتست این بینائی سفیر و هادی دانائی است نزد صاحبان حکمت دانائی خرد از بینائی بصر است

[۱] (مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ابهی، ص ۱۱، کتابخانه‌ی مراجع و آثار بهائی)

* * *

بهرچه از حق دور شوی و از یار مهجور گردی مذموم و منفور و بهره‌چند بدوست نزدیک شوی مقبول و ممدوح انسان باید نظر نماید و بصر جوید آنچه سبب دوریست از آن بیزار گردد و آنچه واسطه‌ی قرب و نور است باید بآن بیدار شود

[۲] (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ۲، شماره ۹۷، کتابخانه‌ی مراجع و آثار بهائی)

هر نفسی باید ملاحظه کند که رضای حضرت پروردگار در چه چیز است و سبب قریبیت حضرت احدیت چه احوال و چه اطوار و چه گفتار و به جان و دل بکوشد و بجوشد و بآن عمل نماید

[۳] (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ۲، شماره ۲۴۴، کتابخانه‌ی مراجع و آثار بهائی)

سراج ایمان چون در زجاج قلب و روان برافروزد شعاع ساطعش بر ارکان زند این نور لامع چون از روزنه‌ی زبان بدرخشد نطق و بیان گردد و چون پرتوش بر بصر افتد بصیرت و عیان شود و چون بر سمع زند اُذُن واعیه گردد چون بر عقل زند معرفت رحمن شود چون بر اعضا زند طهارت و عبادت یزدان گردد و الاً جمیع قوی و اعضا و ارکان مهمل و معطل و اعمالشان چون سراب بیابان شود

[۴] (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ۲، شماره ۴۴، کتابخانه‌ی مراجع و آثار بهائی)

باید بهر نحویکه ممکن است قبل از همه چیز قلب را صاف و نیت را خالص نمود و الاً اقدام بهیچ امری نتیجه و ثمری نبخشد باید از تصنع و تقلید احتراز جست چه که راحه‌ی منتته‌اش را هر عاقل هوشمندی فوراً ادراک نماید باید اوقات مخصوصه‌ی تذکر و تنبه و دعا و مناجات را فراموش ننمود چه که بدون فضل و عنایت الهیه موفقیت و ترقی و پیشرفت در امور مشکل بلکه ممتنع و محال نمیدانید که محبت خالصانه و صداقت و خلوص نیت چه اثری در نفوس نماید ولی تحقق این امر منوط بسعی و کوشش هر فردی از افراد در هر یومی از ایام است

[۵] (توقیعات مبارکه ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۱۶۹، کتابخانه‌ی مراجع و آثار بهائی)

در سراسر جهان، چه در داخل و چه در خارج جامعه‌ی امر، نیازی مبرم به بصیرتی روحانی است که بر حیات بشری پرتو افکند و مشوق و الهام‌بخش آن گردد. هیچگونه دستورالعمل اداری و تمسک به مقررات نمی‌تواند جانشین این خصیصه‌ی روحانی گردد، روحانیتی که حقیقت ذاتی انسان است.

[۶] (ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۲۵ آوریل ۱۹۴۵ از جانب حضرت ولیّ امر الله خطاب به یکی از احبّاء)

... باید به مرحله‌ای از روحانیت نائل گردیم که خداوند را در درجه اول اهمّیت قرار دهیم تا هوای نفسانی نتواند ما را از خدا دور سازد. چه بسیار مشاهده می‌نماییم نفوسی را که از روی شدت نفرت و یا علاقه مفراط نسبت به شخصی اصول را زیر پا می‌گذارند و یا خود را از سلوک در سبیل الهی محروم می‌سازند....

باید خدا را دوست بداریم تا محبّت نسبت به نوع بشر میسر گردد. نمی‌توانیم هر فرد را به خاطر خودش دوست داشته باشیم بلکه احساس ما به نوع بشر باید از محبّت ما به پدر آسمانی که خالق همه اینای بشر است سرچشمه گیرد.

[۷] (ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۴ اکتبر ۱۹۵۰ از جانب حضرت ولیّ امرالله خطاب به یکی از احبّاء)

* * *

بندگی حقّ در عبودیت یاران باید انسان جوهر خضوع شود و حقیقت خشوع فانی محض گردد و فارغ از هر مرض تا آنکه سزاوار عبودیت درگه پروردگار شود

[۸] (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ۲، شماره ۱۵۶، کتابخانه مراجع و آثار بهائی)

دقیقه‌ئی میاسا و آنی راحت معجو بلکه بجان و دل بکوش که یاری از یاران را غاشیه بر دوش گردی و سبب فرح و شادمانی قلبی نورانی شوی اینست موهبت که جبین عبدالبهاء بان روشن است تو نیز شریک و سهیم او شو

[۹] (مرکز جهانی بهائی)

امروز زندگی به هدف تبلیغ همچون شهادت در ایام اولیّه امر است. روحی که مشوّق و محرّک عمل ماست اهمّیت دارد نه نفس عمل، و آن روح خدمت به امر الهی از صمیم دل و جان است.

[۱۰] (ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۳ اوت ۱۹۳۲ از جانب حضرت ولیّ امرالله خطاب به یکی از احبّاء)

توصیه‌ای که حضرت ولیّ امرالله به شما در باره تقسیم وقت خود بین خدمت امر الله و تمشیت دیگر امور و وظایف خویش فرموده‌اند توصیه‌ای است که حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء نیز به بسیاری از احبّای دیگر فرموده‌اند. این امر به معنی برقراری توافق و تعادلی بین دو آیه کتاب مستطاب اقدس است؛ یکی آیه‌ای است که خدمت در سبیل ترویج امر الله را وظیفه هر فرد بهائی تعیین می‌کند و دیگری آیه‌ای است که اشتغال به نوعی کسب و کار مفید به حال اجتماع را برای هر نفس لازم می‌داند. حضرت بهاءالله در یکی از الواح مبارکه می‌فرمایند که والاترین نوع انقطاع در عصر حاضر آن است که شخص به شغل و حرفه‌ای مشغول گردد و خودکفا باشد. بنا بر این یک بهائی شایسته کسی است که زندگی خویش را طوری تنظیم کند که وقت را هم صرف برآوردن نیازهای مادّی خود و هم وقف خدمت به امر الله نماید.

[۱۱] (ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۲۶ فوریه ۱۹۳۳ از جانب حضرت ولیّ امرالله خطاب به یکی از احبّاء)

هیچ چیز مانند خدمت موجب موفّقیت در امر مبارک نیست. خدمت مغناطیس تأییدات الهیه است. فیوضات روح القدس شامل فرد فعّال می‌گردد ولی در فرد غیر فعّال مکمنی نمی‌یابد و چنین افرادی از انوار شفا بخش و احیاکننده آن محروم می‌مانند.

[۱۲] (ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۱۲ ژوئیه ۱۹۵۲ از جانب حضرت ولیّ امرالله خطاب به یکی از احبّاء)

* * *

خدمت امر الله اليوم الفت و محبت احباء الله است بايد در کمال فقر و فنا و محو و صفا و خضوع و خشوع و وفا با يکديگر الفت نمائيم و در نشر نفحات بکوشيم زيرا استعداد اليوم فوق الحد است اگر چنانچه تأخيري افتد از قصور ماست و سبب اين قصور فتور در اتحاد و اتفاق

[۱۳] (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ۲، شماره ۱۸۲، کتابخانه مراجع و آثار بهائی)

اليوم ذرّۀ فی از اعمال که لله نباشد خسران مبین است و کلمه‌ئی که لله گفته نشود شعله‌انگیز است

[۱۴] (مرکز جهانی بهائی)

مقصد از ظهور مظاهر مقدسه الفت و محبت عالم انسانی بود حال احبّا بايد در اين ميدان جانفشانی نمایند تا عالم انسانی را بصهبای محبت يکديگر سرمست کنند و قلوب آفاق را شادمانی بخشند آنچه در الفت بیشتر کوشند بیشتر پويند و آنچه در اتحاد همت مبذول دارند عون و عنایت بیشتر مشاهده کنند ... بنياد خلاف براندازيد و بنيان ائتلاف بلند سازيد و بذيل محبت الهيّه درآويزيد و ساحت قلب را از مغایرت و مخالفت بپردازيد تا محلّ اشراق شمس حقيقت گردد و نور موهبت بدرخشد هر يک خادم يکديگر شويد و هر کدام در ره ديگر جانفشانی نمائيد

[۱۵] (مرکز جهانی بهائی)

اگر ما بهائیان نتوانيم به وحدت و اتفاق صميمانه در بين خود نائل شويم، از تحقق مقصد اصليّه که حضرت اعلى و حضرت بهاءالله و حضرت مولی‌الوری حیات خود را در راه آن وقف نمودند و به خاطر آن تحمل مصائب نمودند باز خواهيم ماند. یکی از ضروریات اولیّه برای حصول اين وحدت صميمانه که مورد تأکید حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء قرار گرفته آنست که از توجه به معایب و نقایص ديگران که از تمایل فطری بشری است پرهيزيم و به عيوب نفس خود مشغول شويم. هر يک از ما تنها مسئول حیات خویش است. مسلماً هر يک از ما از رتبه کمال يعنی آن "کمالی که مخصوص پدر آسمانی است" بسيار بدور هستيم. نیل به کمال در زندگی و کسب خصایل مستلزم نهايت توجه و عزم جزم و صرف قوا می‌باشد. اگر اجازه دهيم که وقت و نیروی ما برای اصلاح ديگران و رفع عيوب آنان صرف شود وقت گرانبهای خود را بيهوده تلف کرده‌ايم. ما مانند شخم‌زنانی هستيم که هر يک مسئول هدايت گروه خود و شخم زدن رديف خود می‌باشد و برای اينکه شيار او مستقيم پيش برود بايد چشم خود را به مقصد دوخته حواس خویش را متوجه کار خود سازد. هرگاه متوجه اطراف شود و بخواهد ببيند ديگران چکار می‌کنند و از شخم زدن آنها ايراد بگيرد بدون شک شيار خود او کج و معوج خواهد شد.

در هيچ موردی، تعاليم بهائی به اندازه اجتناب از عيب‌جویی و غيبت مؤکد و الزام‌آور نيست. بايد با کمال جدّيت در صدد کشف و رفع عيوب خود برآيم و بر نقایص خود غلبه کنيم.

اگر به حضرت بهاءالله و حضرت مولی‌الوری و حضرت ولیّ عزيز امر الله ايمان داريم بايد با اطاعت از اين تعاليم صريحه عشق خود را عملاً نشان دهيم. آن هياکل مقدسه از ما انتظار عمل دارند نه حرف، ابراز پرشور وفاداری و ستايش به هيچ وجه قصور در اجرای تعاليم الهی را جبران نخواهد کرد.

[۱۶] (ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۱۲ مه ۱۹۲۵ از جانب حضرت ولیّ‌امرالله خطاب به یکی از احبّا)

احبای الهی در حقيقت هنوز کاملاً نياموخته‌اند که از محبتی که به يکديگر دارند برای تقويت و تسلي خاطر در هنگام احتياج چگونه استفاده نمايند. امر الهی دارای قدرت عظيمی است و علت اينکه ياران بیشتر از آن استفاده نمی‌کنند اين

است که هنوز نیاموخته‌اند چگونه از این نیروی عظیم محبت، قدرت و اتفاق و هماهنگی که این امر اعظم ایجاد کرده است به طور کامل بهره گیرند.

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۸ مه ۱۹۴۲ از جانب حضرت ولی‌امرالله خطاب به یکی از احبّاء) [۱۷]

حقیقتاً در این ایام نیاز به دلآوری و شهادت مؤمنین است. از خودگذشتگی، شجاعت، امید و اطمینان خلل‌ناپذیر از خصایصی است که احبّاء باید به آن متّصف باشند، چه که این صفات توجّه جامعه را به خود معطوف داشته موجب خواهد شد که مردم در صدد تفحص برآیند که آیا در جهانی که تا این حدّ نوید و دچار هرج و مرج و گمراهی است چه چیز احبّاء را اینگونه امیدوار، مطمئن و چنین معتقد و فداکار می‌سازد؟ این صفات ممیّزه بهائی است که به مرور زمان مردم را بیشتر جلب خواهد کرد. احبّاء باید از تنفر و تهمت که هادم بنیان جامعه بشری است دوری جویند و با گفتار و کردار ایمان عمیق خود را به اتحاد صلح‌آمیز آینده تمامی نوع بشر نشان دهند.

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۲۶ اکتبر ۱۹۴۱ از جانب حضرت ولی‌امرالله خطاب به یکی از احبّاء) [۱۸]

اما در مورد موضوع مربوط به خانم ... و عدم سازگاری که در بین بعضی از احبّاء در ... دیده می‌شود و زمانی که بهائیان اجازه دهند قوای ظلمانی عالم بر روابط آنان در داخل جامعه امر سایه افکند در واقع پیشرفت جامعه خود را شدیداً به مخاطره می‌اندازند.... همه باید حاضر و مایل باشند که دعاوی شخصی خود را، چه موجّه و چه غیر موجّه، به خاطر خیر و صلاح امر الهی نادیده بگیرند زیرا مردم هرگز امر را نخواهند پذیرفت مگر آنکه در جامعه‌اش خصایلی را مشاهده کنند که جهان امروز فاقد آن است، یعنی محبت و یگانگی.

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۱۳ مه ۱۹۴۵ از جانب حضرت ولی‌امرالله خطاب به محفل ملی استرالیا و

نیوزیلند) [۱۹]

* * *

ای والهان جمال یزدانی و آشفته‌گان محبوب حقیقی در چنین روزی که اریاح افتتان و امتحان عالم را احاطه نموده است و زلازل اضطراب جهان را آشفته کرده است باید انشاءالله از افق ثبوت و رسوخ بقسمی با رخی تابان و جبینی رخشان ظاهر گردید که ظلمات تزلزل و اضطراب بکلی محو گردد و انوار یقین از افق مبین طالع و لائح شود

(منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ۲، شماره ۱۲، کتابخانه مراجع و آثار بهائی) [۲۰]

ای یاران عبدالبهاء ضوضای ملل و غوغای امم در یوم ظهور اسم اعظم محتوم و مسلّمست و حکمت این امر محتوم واضح و معلوم زیرا چون اریاح امتحان بوزد درختان ضعیف از بن و ریشه برافتند ولی اشجار مبارکه ثبوت بیفزایند و متانت بنمایند شدت باران حشرات ارض را مضطرب و پریشان و سرگردان نماید ولی حدائق پرشقایق شود ریحان و گل بروید و بلبلان بنگمه درآیند و در هر دمی هزاران هزار ترانه بسرایند نعمه للأبرار و نعمة للضعفاء حمد کنید خدا را که قدم ثابت بنمودید و مانند ذهب ابریز در آتش آزمایش رخ برافروختید از حقّ میطلبم که روز بروز بر ثبوت و رسوخ بیفزائید

(مرکز جهانی بهائی) [۲۱]

از خدا خواهم که روز بروز بر استقامت بیفزائی تا مانند بنیان متین مقاومت دریای امتحان نمائی نفوس بشر مانند شجرند یعنی درختانی که ریشه ندارند باندک بادی از بیخ برافتند و اما اشجاری که ریشه دوانند و محکم و متین گردند از بادهای شدید

متزلزل نشوند لهذا برگ و شکوفه و ثمر بخشند

[۲۲] (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ۲، شماره ۱۳۰، کتابخانه مراجع و آثار بهائی)

حکمت بالغه بسیار هر کس مطلع بر اسرار نه رحمت منبسطه و حکمت کلیه الهیه مقتضیاتی دارد که عقول بشریه از ادراک آن عاجز و قاصر اگر تنگی و آزدگی و مشقت متزاید است غم مخور لطف و عنایت حق نیز متتابع چه بسیار که انسان از امری گریزان و بامر دیگر در نهایت آرزو امیدوار عاقبت واضح و آشکار شود که امر مرغوب ضار و مضر و امر منفور نافع و موافق

پس ره تسلیم بیما و خود را تفویض کن از هیچ محنتی دلتنگ مشو و بهیچ منحتی امیدوار مگرد آنچه خدا خواهد بآن مسرور و راضی باش تا راحت دل و جان یابی و مسرت قلب و وجدان جوئی عنقریب این زحمت و مشقت بگذرد و راحت جان و مسرت وجدان حاصل شود

[۲۳] (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ۲، شماره ۱۶۶، کتابخانه مراجع و آثار بهائی)

ای ناظر بملکوت ابهی در این یوم شدید که شدائد بلایا ارکان امکان را متزلزل نموده و افتتان و امتحان الهی قوائم بنیان جهان را مرتعش کرده تو بقوتی ملکوتیه و تأییداتی لاهوتیه بر امر الهی ثابت و مستقیم و راسخ مان و چون جبل مبین و بنیانی متین و سدای حائل و حاجزی کامل باقی و برقرار باش از روایح بلایا مضطرب مشو و از شدائد مصائب متزلزل مگرد انوار تأیید از ملکوت الهی ساطعست و جنود توفیق از رفیق اعلی متواصل مطمئن باش و متیقن

[۲۴] (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ۲، شماره ۲۹۸، کتابخانه مراجع و آثار بهائی)

اما نباید فراموش کنیم که مشقت و مصائب از خصوصیات اساسی این عالم است و با غلبه بر آنهاست که می‌توانیم موفق به پیشرفت اخلاقی و روحانی شویم. به فرموده حضرت مولی‌الوری غم و اندوه مانند شیار بر زمین است هر چه عمیق‌تر باشد ثمراتش پربارتر است.

[۲۵] (ترجمه‌ای از نامه مورخ ۵ نوامبر ۱۹۳۱ از جانب حضرت ولی‌امرالله خطاب به یکی از احبّاء)

از شرایط نامطلوبی که در جامعه بهائی در ... وجود دارد شکایت کرده‌اید، حضرت ولی‌امرالله به اوضاع امری آن منطقه به خوبی واقفند اما اطمینان دارند که علیرغم ماهیت موانعی که امر مبارک با آن رو به روست نهایتاً بر آن موانع غالب خواهد شد. شما تحت هیچ شرایطی نباید احساس یأس نمایید و به خود اجازه دهید که چنین مشکلاتی حتی اگر در نتیجه سوء رفتار و یا عدم قابلیت و بصیرت بعضی از افراد جامعه به وجود آمده است شما را از تمسک به ایمان و وفاداری نسبت به امر مبارک باز دارد. مطمئناً نباید افراد احبّاء را معیار سنجش قدرت و عظمت امر دانست، حتی اگر اشخاص قابل باشند، خواه مبلغ و خواه عضو تشکیلات، و یا افرادی با سجایای رفیع فکری و روحانی. برای هدایت و الهام، احبّاء باید به تعالیم الهیه و حیات مؤسسین این امر اعظم ناظر باشند و فقط به وسیله چنین نگرش صحیحی است که می‌توانند وفاداری خود را به حضرت بهاءالله بر اساسی محکم و پایدار بنا نهند. بنا بر این شما باید با هوشیاری تام و سعی مدام نقش کامل خود را در تحقق استقرار تدریجی این نظم جهانی الهی ایفا نمایید.

[۲۶] (ترجمه‌ای از نامه مورخ ۲۳ اوت ۱۹۳۹ از جانب حضرت ولی‌امرالله خطاب به یکی از احبّاء)

شاید بزرگ‌ترین امتحانی که بهائیان با آن رو به رو می‌شوند از جانب یکدیگر است. ولی به خاطر حضرت مولی‌الوری آنان باید همیشه آماده باشند که خطاهای یکدیگر را نادیده بگیرند و برای سخنان درشتی که ادا کرده‌اند پوزش طلبند، بیخشند و فراموش کنند. حضرت ولی‌امرالله به شما چنین رفتاری را مؤکداً توصیه می‌فرماید.

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۱۸ دسامبر ۱۹۴۵ از جانب حضرت ولی‌امرالله خطاب به یکی از احبّاً) [۲۷]

ضعف و خصوصیات شخصی انسان‌ها می‌تواند امتحان بزرگی باشد. اما تنها راه، بلکه باید گفت اولین و بهترین طریق علاج چنین اوضاعی، آنست که انسان خود آنچه درست است انجام دهد. یک فرد می‌تواند سبب روحانیت و نورانیت یک قاره شود.

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۳۰ سپتامبر ۱۹۴۹ از جانب حضرت ولی‌امرالله خطاب به یکی از احبّاً) [۲۸]

این امتحانات و افتخانات که همه جوامع بهائی ناگزیر باید از آن بگذرند غالباً در اولین وهله شدید به نظر می‌رسد ولی با نگاه به گذشته متوجه می‌شویم این امتحانات به علت ضعف طبیعت بشر، سوء تفاهمات و مسائل مربوط به دوران رشد بوده که هر جامعه بهائی باید آنها را تجربه نماید.

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۲۵ نوامبر ۱۹۵۶ از جانب حضرت ولی‌امرالله خطاب به یکی از احبّاً) [۲۹]

* * *

اگر زندگانی باقی خواهی نفعه الهی بمشام آر و اگر حیات جاودانی جوئی در ظلّ کلمه الهی درآ
(منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ۲، شماره ۱۱۱، کتابخانه مراجع و آثار بهائی) [۳۰]

امروز قوت و اقتدار اکسیر اعظم راست که حقائق ظلمانی را نورانی نماید و هویت نادانی را آیت رحمانی فرماید و آن کلمه الله است که عالم امکانرا بجلوه ربّانی منور نموده و آفاقرا بنفحات قدس معبر کرده
(منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ۲، شماره ۱۶۰، کتابخانه مراجع و آثار بهائی) [۳۱]

کلمه الهیه چون نسیم بهاری و اریاح لواقح رحمانیست لکن چون این از حنجر روحانی تلاوت شود روح حیات نثار نماید و جان نجات مبذول دارد ارض طیّیه را گلشن و گلزار نماید و آفاق وجود را عنبریار
(منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ۲، شماره ۳۵۳، کتابخانه مراجع و آثار بهائی) [۳۲]

اگر بیانات حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء را در نهایت خلوص و دقت مطالعه و در آن تعمق و تفکر نمایند به حقایقی پی خواهید برد که قبلاً برای شما مجهول بوده است و بینش به مسائلی کسب خواهید کرد که متفکرین بزرگ جهان از حل آن درمانده‌اند.

(ترجمه‌ای از دستخط حضرت ولی‌امرالله اضافه شده در نامه مورخ ۳۰ ژانویه ۱۹۲۵ از جانب هیکل مبارک خطاب به یکی از احبّاً) [۳۳]

[یادداشت]

۱ ترجمه‌ها توسط هیئت بین‌المللی ترجمه به زبان فارسی تهیه شده است. ←

این سند از www.bahai.org/fa/legal کلیات مرجع دایرود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجه به مقررات مندرج در سایت www.bahai.org/fa/legal استفاده نمایید.

آخرین ویراستاری: ۱۷ نوامبر ۲۰۲۲، ساعت ۸:۰۰ قبل از ظهر